

نامه‌های

از دفتر تاریخچه

نامه ۳۱ نهج البلاغه یکی از زیباترین و طولانی‌ترین نامه‌های امام علی (ع) است. این نامه منشور تربیت و درس نامه کامل اخلاق، تهذیب نفس، خودسازی، تربیت و سیر و سلوک الی الله است. همچنین، بسیار زیبا، عمیق برای استادان، دانشجویان، معلمان و والدین کاربردی و مفید است. بی‌تردید مطالعه، بررسی و بهره‌گیری از آن برای همه ما، به خصوص معلمان عزیز، در کنار آموزش درس‌های رسمی، لازم و ضروری است.

این نامه اخلاقی، تربیتی، تاریخی، اعتقادی، سیاسی و علمی را که از سی بخش تشکیل می‌شود، گویا همین امروز امام (ع) برای همه انسان‌ها نوشته است و در این زمان با ما سخن می‌گوید. بنابراین، مطالعه و تحقیق فردی و گروهی درباره آن و حتی در جلسات انجمن اولیا و مربیان و در کلاس و خارج از کلاس، راهگشا و تأثیرگذار است.

جرج جرداق مسیحی، استاد ادبیات عرب در لبنان، اعتراف می‌کند: «جاذبه‌های کلمات امام علی (ع) شوری در من ایجاد کرده که ۲۰۰ بار نهج البلاغه را مطالعه کردم (دشتی، ص ۹)».

چقدر برای ما حسرت دارد یک مسیحی آگاه، بادرک درست، ۲۰۰ بار نهج البلاغه را خوانده است و از آن الهام گرفته و زندگی اش سراسر نور شده است، اما ما به عنوان مسلمان (شیعه یا سنی) چند بار همه یا بخش کمی از این منشور تربیت و کتاب زندگی را مطالعه کرده‌ایم؟ برای آشنایی بیشتر با این نامه مهم، در ادامه به اختصار نکاتی از آن ارائه می‌شود.

دکتر عباسعلی مظفری

* گذری کوتاه به محورهای نامه

امام علی (ع) در سال ۳۸ هجری، در نامه ۳۱، خود را به عنوان نویسنده و فرزندش امام حسن (ع) را به عنوان مخاطب، با عبارت‌هایی بسیار پر معنا معرفی می‌کند (همان، ص ۳۷۱) و نامه را به عنوان وصیت پدری دلسوز و پر محبت برای فرزندی که به شدت مورد علاقه پدر است، می‌نگارد: «... و تورا دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان منی. آن گونه که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده است...»

امام علی (ع) به تقوا، بررسی تاریخ پیشینیان، احتیاط در همه امور، شکیبایی در برابر مشکلات، توکل بر خداوند و سپردن کارها به دست او و توجه به این حقیقت که قلب و روح جوان آماده پذیرش هرگونه تعلیماتی است، توصیه می‌فرماید

در فرازهایی، نخست از فزونی
 مجهولات انسان نسبت به معلومات و
 هشدار درباره هرگونه انحراف از حق و
 تأکید بر پیروی از پیامبر اسلام (ص) و این که
 هیچ کس بدون تأسی به او به جایی نمی رسد،
 سخن می گوید. سپس به مسئله توحید و شرح
 بخشی از صفات خداوند و آنگاه با ذکر مثال های
 بسیار زیبا به ترسیم ناپایداری دنیا می پردازد. در
 ادامه، به روابط صحیح اجتماعی تأکید می فرماید:
 «... ای پسرم، نفس خود را میزان (داوری) میان
 خود و برای دیگران قرار ده. آنچه را برای خود
 می پسندی برای دیگران هم بپسند و آنچه را برای
 خود نمی پسندی، برای دیگران بپسند.»

از آفات اخلاقی مهمی مانند خودبینی سخن می گوید
 و خدمت به خلق را زاد و توشه ای مهم برای آخرت
 می شمرد و درباره راه پرپیچ و خمی که در مسیر آخرت
 هست، هشدار می دهد. از اهمیت دعا و اینکه کلید
 همه خیرات و برکات است، به طور مشروح سخن
 می گوید و هدف آفرینش انسان را که همان زندگی
 جاویدان آخرت است نه زندگی بی حاصل چندروزه
 دنیا، برای فرزندش روشن می کند.

بر حفظ حقوق مردم و نیکی به برادران مسلمان تأکید
 می کند. سپس اندرزهای مهمی درباره حریص نبودن
 برای به دست آوردن روزی، می دهد. پس از آن، بخشی از
 مسائل مهم مربوط به حفظ حرمت زنان و رفتار صحیح
 با آنها را یادآور می شود. سپس درباره مسائل مربوط به
 مدیریت زندگی و تقسیم کار میان افراد و همچنین اهمیت
 توجه به خویشاوندان می فرماید: «... خویشاوندان را
 گرمی دار، زیرا آن ها پروبال تو می باشند که با آن پرواز
 می کنی، و ریشه تو هستند که به آن ها بازمی گردی،
 و دست نیرومند تو هستند که با آن حمله می کنی.»
و چقدر زیبا به نامه خود پایان می دهد: «دین و دنیای
 تو را به خدا می سپارم و بهترین خواسته الهی را در آینده
 و هم اکنون، در دنیا و آخرت، برای تو می خواهم.»

نهج البلاغه که فوق کلام خلق و در پرتو کلام خالق
 است، مهم ترین مباحث اخلاقی، تربیتی، تاریخی،
 اعتقادی، سیاسی و علمی را به ساده ترین و زیباترین
 شکل بیان کرده است. بر ماست که از این اقیانوس
 بیکران، با افزایش ظرف و جودوی خویش،
 حداکثر بهره را ببریم و دانش آموزان را نیز به
 مطالعه آن علاقه مند کنیم.

منبع

۱. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۸).
 الهادی. قم.



و بر این معنا تأکید می کند که پدرت تجربه های عمر
 خود را بدون زحمت در اختیار تو می گذارد. سپس به
 آشنایی هرچه بیشتر با کتاب خدا و حلال و حرام الهی
 و سرانجام به اقتدا کردن به سنت صالحان پیشین و
 لزوم پرهیز از شبهه، توصیه می کند: «... آخرت
 را به دنیا مفروش و آنچه نمی دانی مگو، و آنچه
 بر تو لازم نیست بر زبان نیاور...» یا می گوید:
 «... بهترین سخن آن است که سودمند
 باشد. بدان، علمی که سودمند نباشد،
 فایده ای نخواهد داشت و دانشی که سزاوار
 یادگیری نیست، سودی ندارد...»